

گروه ادبیات فارسی آبادان

جزوه دستور زبان فارسی ۳

درسنامه تمام مباحث قلمرو زبانی کتاب فارسی دوازدهم
برای آمادگی در امتحان نهایی

گردآوری: محمد بنی نومه

دبیر ادبیات آبادان



دبیران ادبیات فارسی
<https://dabiranadabiyat.ir>

فهرست مطالب

۱- انواع حذف از نظر قرینه

۲- انواع (واو)

۳- انواع حرف ربط

۴- انواع جمله

۵- انواع (ان)

۶- وابسته های وابسته

۷- ترکیب وصفی و اضافی

۸- انواع فعل از نظر زمان

۹- نقش واژه در جمله

۱۰- تفاوت معنایی فعل

۱۱- انواع شیوه بیان (عادی، بلاغی)

۱۲- انواع را (مفعولی، حرف اضافه، فک اضافه)

■ به انضمام ده دوره نمونه سوال امتحان نهایی سال های گذشته به تفکیک موضوع

به نام خدا

موضوع: جزوه دستور زبان کتاب فارسی ۳ (کلیه رشته ها) دبیر: محمد بنی نعمه شهرستان: آبادان

بررسی ۱۰ دوره نمونه سوالات امتحان نهایی از (دی ۹۷) تا (دی ۱۴۰۰) + امتحان طرح نما ۱۴۰۱

فهرست: ۱- انواع حذف از نظر قرینه ۲-انواع(واو) ۳- انواع حرف ربط (هم پایه ساز و وابسته ساز) ۴- انواع جمله ۵- انواع (ان) ۶- انواع وابسته های وابسته ۷- ترکیب وصفی و اضافی ۸- انواع فعل از نظر زمان ۹- نقش واژه در جمله ۱۰- تفاوت معنایی فعل ۱۱- انواع شیوه ی بیان (عادی و بلاغی) ۱۲- انواع «را» (مفعولی، حرف اضافه و فک اضافه)

۱-انواع حذف از نظر قرینه: الف)حذف به قرینه لفظی ب)حذف به قرینه معنوی

الف)حذف فعل به قرینه لفظی: وقتی در جمله، لفظی تکرار شود، نویسنده یا گوینده می تواند برای جلوگیری از طولانی شدن کلام، یکی از آنها را حذف کند.

الف) حسن آمد.کی؟(آمد) حذف شده است ب) شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه.(بود) حذف شده است.

پ) آن گاه سر خویش گرفتم و راه در پیش (گرفتم) حذف شده است. ت) گاهی دلم می لرزد و گاهی دستم.(می لرزد) حذف شده است

نکته: حذف به قرینه لفظی بیشتر در فعل هایی رخ می دهد که از مجموع دو کلمه ساخته می شوند. بخش دوم این افعال معمولاً حذف می شوند. مانند:

من او را دعوت [کردم] و همه حرف هایم را درباره اتفاقی که افتاده بیان کردم.

نکته: فعل وصفی همان ساخت صفت مفعولی (بن ماضی + ه) است که گاهی کارکرد فعلی می یابد. اگر فعلی که بعد از فعل وصفی می آید، یکی از افعال ماضی نقلی، ماضی التزامی و یا ماضی بعید باشد، فعل مورد نظر، ممنوع فعل پس از خود است؛ با این تفاوت که فعل کمکی آن به قرینه لفظی حذف شده است. اما باید توجه داشت که درستی کاربرد فعل وصفی در این حالت دو شرط دارد:

ساختار صرفی فعل کمکی یکی باشد؛ مثلاً یکی بودم و دیگری بودی نباشد.

درج ویرگول یا «و» پس از فعل وصفی

با رعایت کردن موارد گفته شده، حذف فعل به قرینه لفظی از جمله اول جایز است.

سراسیمه از کتابخانه بیرون آمده، خودم را به بیمارستان رسانده بودم. (فعل وصفی + ماضی بعید)

<https://dabiranadabiyat.ir>

او تایپ ده‌انگشتی را یاد گرفته [بود]، در بخش اداری یک کارخانه بزرگ مشغول به کار شده است (فعل وصفی + ماضی نقلی)

شاید او از خانه خارج شده [باشد] و به فرودگاه رسیده باشد. (فعل وصفی + ماضی التزامی)

جمعی مانده [بودند] و جمعی گریخته بودند.

حذف غیر مجاز: من دیده بودم و تو خوانده بودی. (در این جمله، بوم قابل حذف نیست، چرا که ساختار صرفی آن با فعل دوم، یعنی بودی، متفاوت است.

ب) حذف فعل به قرینه معنوی: گر خواننده از روی سیاق کلام و مفهوم کلی جمله‌ها، بتواند کلمه حذف شده را حدس بزند، می‌توانیم بگوییم که فعل به قرینه معنوی حذف شده است .

الف) از دوستان تازه چه خبر؟ (داری) ب) عاکفان کعبه ی جلالش به تقصیر عبادت معترف (هستند)

پ) بنده همان به (است) که ز تقصیر خویش ت) که تو از منی و من از آن تو (هستم) د) صبح بخیر (باشد)

موارد حذف اجزای جمله به قرینه معنوی:

۱- وقتی افراد در شروع هر کاری نام خدا را بر زبان می‌آورند و بعد صحبت خود را آغاز می‌کنند، در واقع سایر اجزای جمله را حذف کرده‌اند. زیرا هر شنونده‌ای مفهوم جمله را می‌داند.

به نام خداوند بخشنده مهربان [سخن را آغاز می‌کنم]

۲- گاه به دلیل کمبود وقت، یا در موقعیت خاص، گوینده با نویسنده به بیان مهمترین جزء جمله اکتفا می‌کند؛ زیرا می‌داند که شنونده با توجه به زمان و مکان و وضعیت موجود، منظورش را متوجه می‌شود. مثال: کمک (کنید)

۳- هنگامی که در جمله بعد از کلمات نشانه سوگند، حرف ربط که را به کار ببریم. مثال: به خدا سوگند (می‌خورم)

۴- در جمله‌های عاطفی (دعایی یا تعجبی) فعل می‌تواند حذف شود. اما شنونده با توجه به شکل جمله و موقعیت متوجه منظور خواننده می‌شود. مثال: چه تابلوی زیبایی (است)

۵- در جمله‌های بیان پرسش، گاهی اوقات فعل حذف می‌شود. مثال: می‌پرسیم: کجا؟ (می‌روی)

نمونه سوالات امتحانی:

۱- با توجه به نوشته ی زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. (ش ۹۹)

«برف کوه هنوز آب نشده است. گل و گیاه، پشم گوسفندان را رنگین کرده است. نامه ی برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی.»

الف) ساختار دستور کدام جمله مطابق با الگوی «نهاد+مفعول+مسنند+فعل» است؟

ب) نوع «واو»، بین واژه های «شعر و چنگ» ربط است یا عطف؟

ج) زمان فعل «نشده است» ماضی نقلی است یا التزامی

د) در این عبارت، حذف فعل به قرینه لفظی است یا معنوی؟

۲- در نوشته ی «بدان که از جمله نام های حسن یکی جمال است و یکی کمال. و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال اند. و هیچ کس نبینی که اغو را به جمال میلی نباشد.» (خ ۹۹ انسانی)

الف) یک مورد حذف بیابید و بنویسید. ب) مرجع ضمیر «او» را تعیین کنید.

۳- در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»

نوع حذف فعل، به قرینه لفظی است یا معنوی؟ (خ ۹۹ تجربی - ریاضی)

۴- با توجه به شعر «نان را هوار را/روشنی را، بهار را/از من بگیر/اما خنده ات را هرگز» (ش ۹۸)

الف) کدام واژه حذف شده است؟ ب) حرف ربط هم «پایه ساز» را مشخص کنید.

۵- در مصراع «امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو» (دی ۹۷)

الف) کدام واژه حذف شده است؟ ب) نوع حذف آن چیست؟

۶- در هری کاز نمونه های زیر، کدام واژه حذف شده است؟ نوع حذف آن را بنویسید. (دی ۹۸)

الف) چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن؟

ب) گر آتش دل نهفته داری سوزد جانت، به جانت سوگند

۷- با توجه به سروده ی زیر به پرسش ها پاسخ دهید. (دی ۱۴۰۰)

«چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا با سجایای ارزشمند تو را بازگو کند.»

الف) نوع حذف به کار رفته در این سروده لفظی است یا معنایی؟ ب) زمان فعل «مانده است» ماضی نقلی است

یا ماضی بعید ج) کدام واژه وابسته ی پیشین اسم است؟

۸- نوع حذف را در هریک از موارد زیر تعیین کنید. (خ ۹۸)

الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب

۹- در بیت «گر آتش دل نهفته داری سوزد جانت به جانت سوگند» کدام واژه حذف شده است؟ نوع حذف را بنویسید. (آتش حذف به قرینه ی لفظی) (می خورم حذف به قرینه ی معنوی)

۲- انواع (واو): الف) واو عطف: بین دو واژه که نقش یکسان دارند می آید، نظیر «حسن و حسین وارد مسجد شدند.»
ب) واو ربط: دو جمله را به هم مرتبط می کند نظیر «حسن به خانه آمد و علی را دید.»

نکته: فعل به تنهایی می تواند یک جمله باشد. مثال: بی تابم و بی قرارم

سوالات امتحانی:

۱- حرف «و» در هریک از مصراع های زیر، حرف ربط یا پیوند است؟ (خ ۹۹ تجربی - ریاضی)

الف) امروز می آید از باغ بوی بهار من و تو ب) دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

۲- با توجه به بیت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. (خ ۱۴۰۰)

«آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو»

الف) نوع «واو» در مصراع اول، حرف ربط است یا عطف؟ ب) در مصراع دوم، کدام واژه نقش «نهاد» دارد؟

۳- نوع حرف «و» را در هریک از مصراع های زیر تعیین کنید. (طرح سه نما فروردین ۱۴۰۱)

الف) امروز می آید از باغ بوی بهار من و تو ب) آن سوخته را جان شد و آواز نیامد

۳- نقش های تبعی: نقش های تبعی نقش هایی هستند که تابع نقش دستوری پیش از خود هستند. این نقش ها

عبارتند از:

۱- بدل (مثال ۱: علی، برادر من، در مسابقه ی تنیس نفر اول شد.) در این مثال، علی در جمله نهاد است و برادر من

بدل از نهاد. از نظر دستوری (علی، برادر من) نهاد است.

مثال ۲: (فردوسی، شاعر حماسه سرای ایرانی، را می شناسیم؟) در این مثال فردوسی مفعول است و شاعر حماسه

سرای ایرانی بدل از مفعول. یعنی کلا: فردوسی شاعر حماسه سرای ایران، مفعول است. و به همین ترتیب هر کدام

از نقش های جمله که بدل بگیرند، با بدل نقش مشترک دارند.

۲- معطوف. گروه واژه ای که به وسیله ی حرف «و» به گروه واژه ی قبل خود اضافه می شود، نقش مشترک ایجاد

می کند.

مثال ۱: باد و باران چهره ی درختان را زیباتر کرده بود. باد در این مثال نهاد است و باران معطوف به نهاد. در نتیجه

هر دو نهاد هستند.

مثال ۲: پیرمرد، کوچه های خاکی و قدیمی روستا را می پیمود. خاکی، صفت و قدیمی، معطوف به صفت است. پس هر

دو نقش مشترک دارند. <https://dabiranadabiyat.ir>

۳- کلمه ای که هم در نقش و هم در لفظ تکرار شده باشد. مثال ۱: پدر آمد. پدر ، پدر خارج از جمله همان نهاد است که تکرار شده است.

نکته کنکوری: فرق نقش تبعی تکرار با آرایه ی تکرار در این است که در آرایه تکرار نیاز به تکرار نقش نیست و همین که دو کلمه در لفظ و معنی تکرار باشند، کافی است. مانند: سیب آوردم، سیب (تکرار)
گل ها را ببین؛ گل ها نشانه ی خدایند. (نقش تبعی تکرار نیست).

سوالات امتحانی:

۱- در جمله ی «سیمرغ در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، آشیان دارد»، کدام گروه اسمی نقش تبعی دارد؟ نام آن را بنویسید. (ش ۹۹)

۲- در نوشته «رم، پایتخت ایتالیا)، شهری است قدیمی با دیوارهای قطور و باروهای دود خورده» (خ ۹۹ انسانی)
الف) کدام واژه نقش تبعی «معطوف» دارد؟ ب) گروه اسمی مشخص شده، دارای کدام نقش دستوری است

۳- در نوشته ی زیر یک نقش تبعی با ذکر نوع آن مشخص کنید. (ش ۹۸)
رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی، دیوارهای قطور و باروهای دود خورده ی آن به زبان حال بازگو می کند.....
۴- در عبارت «ما، پرندگان را نیز پیشوا و شهریار است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بر درختی بلند آشیان دارد.» (دی ۱۴۰۰)

الف) کدام واژه در نقش «تبعی» به کار رفته است؟ کدام واژه نقش «معطوف» دارد.

۵- با توجه به بیت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. (دی ۹۹)

«چنان آمد اسپ و قبای سوار که گفتی سمن داشت اند کنار»

الف) یک حرف ربط وابسته ساز بیابید. ب) ترکیب «قبای سوار» «وصفی» است یا «اضافی»

ج) کدام نقش تبعی در این بیت به کار رفته است؟

۶- در متن زیر، یک نقش تبعی «معطوف» و یک «بدل» بیابید. (خ ۹۸) و (طرح سه نما فروردین ۱۴۰۱)

«ما پرندگان را پیشوا و شهریار است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند، آشیان دارد.»

۳- انواع حرف ربط: الف) حرف ربط هم پایه ساز ب) حرف ربط وابسته ساز

۱- پیوند های هم پایه ساز: واژه های دستوری «و»، «ولی»، «اما»، «لیکن»، «یا» و... دو جمله را هم پایه می کنند

خیاط ها پول زر و سیم را گرفتند و کارگاهی عریض و طویل دایر کردند .

۲- پیوندهای وابسته ساز: واژه های دستوری «که»، «تا»، «زیرا که»، «هنگامی که»، «اگر»، «اگرچه»، «وقتی که»، «چون» و... جمله های پس از خود را به جمله ی هسته وابسته می سازند: او به خیاط خانه ی سلطنتی رفت تا لباس زربفت عجیب خود را بر تن کند .

پیوندهای پر کاربرد مانند «که» و «تا» گاه از جمله حذف می شوند ولی بالقوه وجود دارند:

قرار شد جشنی عظیم در شهر به پا شود=قرار شد تا جشنی عظیم در شهر به پا شود .

انواع پیوند های هم پایه ساز:

پیوندهای هم پایه ساز را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: و- یا- ولی، اما، لیکن، بلکه

دسته دوم: ۱- هم..هم.. ۲- چه..چه.. ۳- یا..یا.. ۴- نه..نه.. ۵- خواه..خواه.. ۶- نه تنها..بلکه..

تفاوت این دودسته در آن است که هم پایه سازهای دسته اول فقط بین جمله ها می آیند اما هم پایه سازهای دسته دوم در ابتدای اولین جمله نیز می نشینند؛ مثال:

دسته اول: او درس می خواند و کار می کند. او درس می خواند ولی کار نمی کند.

سوالات امتحانی:

۱- در سروده ی زیر یک «پیوند وابسته ساز» و یک «پیوند هم پایه ساز» مشخص کنید. (ش ۹۹)

«آیا چیزی در مخیله ی آدمی می گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟»

۲- با توجه به سروده ی زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. (خ ۹۹ انسانی)

«آیا چیزی در مخیله ی آدمی می گنجد که در قلم بتواند آن را بنگارد اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟» الف) یک پیوند «هم پایه ساز» بیابید و بنویسید. ب) زمان کدام فعل، «مضارع اخباری» است؟

۳- در نوشته ی زیر، یک پیوند وابسته ساز و یک پیوند هم پایه ساز مشخص کنید. (دی ۹۸)

« می خواهم به دان جا روم که خداوند آن را سر حد دنیای خلقت قرار داده است و دیگر در آن ذی حیاتی نفس نمی کشد.»

« برخی در همان نخستین منزل از پا درآمدند. بسیاری در دومین منزل به زاری زار جان سپردند اما آنان که همت یارشان بود، پیش رفتند.»

۴- انواع جمله: جمله از نظر ساختمان دوتنوع است: ۱- ساده ۲- مرکب

جمله ساده: جمله ای است که در آن تنها یک فعل به کار رفته باشد. مثال: علی به مدرسه رفت.

جمله مرکب: جمله ای است که در آن بیش از یک فعل به کار رفته باشد. جمله های ساده ای که جمله ی مرکب را تشکیل می دهند از نظر بار مفهوم و پیام و نقش دو گونه اند جمله ی پایه یا (هسته) و جمله ی پیرو یا (وابسته). پایه ی هسته آن قسمت از جمله ی مرکب است که غالباً غرض اصلی گوینده یا نویسنده را در بردارد ولی جمله ی پیرو یا وابسته که همراه جمله ی پایه می آید به آن وابسته است و مفهومی از قبیل زمان، شرط، علت و ... رابه مفهوم پایه ی هسته می افزاید و قابل تأویل به مصدر یا صفت است.

تشخیص جمله ی پایه از پیرو:

الف) جمله ای که مفهوم و غرض اصلی گوینده را در بردارد معمولاً جمله ی پایه ی هسته است.

ب) جمله ی پیرو یا وابسته معمولاً همراه با یکی از حروف ربط (پیوند) می آید.

ج) افعال جمله ی پیرو می توانند تأویل به مصدر یا صفت شوند.

د) جمله ی پیرو جمله ی ناقصی است اما جمله ی پایه جمله ای کامل و مستقل است.

مثلاً در جمله ی درس هایت را بخوان تا موفق شوی غرض اصلی امر به درس خواندن است و این جمله پایه ی هسته است و جمله ی تا در امتحان موفق شوی که علت آن را می رساند و همراه با حرف ربط تا آمده است جمله ی پیرو یا وابسته است.

علاوه بر این جمله ی پیرو یا وابسته بالا را می توان به مصدر تأویل کرد و گفت: برای موفق شدن در امتحان در سهایت را بخوان.

اگر بکوشی موفق می شوی

وابسته، پیرو هسته، پایه

سوالات امتحانی:

۱- در جمله ی مرکب زیر، جمله ی هسته (پایه) و جمله ی وابسته (پیرو) را مشخص کنید. (دی ۹۹)

«خودت بهتر می دانی در این شب عیدی مالیه از چه قرار است.»

۲- در کدام گزینه، جمله مرکب دیده می شود؟ (خ ۱۴۰۰)

الف) بی اختیار در را باز کردم و این جوان نمک شناس را بیرون انداختم.

ب) از خوش مشربی و فضل و کمال او چیزها گفتند و نمره ی تلفن او را از من خواستند.

ج) آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خداحافظی با آقایان رفتند.

د) فوراً مسئله ی میهمانی و قرار با رفقا با عیالم در میان گذاشتم.

۳- در هریک از جمله های مرکب زیر، جمله ی وابسته (پیرو) را مشخص کنید. (خ ۹۹ تجربی - ریاضی)

الف) اگر امروز بیشتر از اینه به ما بخورانید، همین جا وبال جانت می گردیم.

ب) جامه ای بود که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود.

۴- در جمله ی مرکب زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. (ش ۱۴۰۰)

«من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم که دنیا عجیب فراموشکار است.»

۵- انواع (ان):

۱- پسوند جمع: گیاهان - یاران - مسافران ۲- پسوند زمان: بامدادان - بهاران - سحرگاهان

۳- پسوند مکان: دیلمان - گیلان - ریگان - سپاهان ۴- پسوند نسبت: جانان - بابکان - قبادان - کاویان

۵- پسوند شباهت: کوهان - ماهان ۶- پسوند فاعلی: گریان - خندان - روان - تابان

سوالات امتحانی:

۱- مفهوم «ان» را در هریک از ترکیب های زیر بنویسید. (ش ۹۹) الف) کوهان شتر ب) درفش کاویان

۲- کاربرد نشانه ی «ان»، در واژه «خواهان»، با کاربرد این نشانه در کدام گزینه، یکسان است؟ (خ ۹۹ انسانی)

الف) خاوران ب) سپاهان ج) گریزان د) پایان

۳- با توجه به سروده ی زیر به پرسش ها پاسخ دهید (خ ۹۹ تجربی - ریاضی)

و در بهاران، عشق من / خنده ات را می خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم

الف) مفهوم (ان) در واژه ی بهاران را بنویسید. ب) مرجع ضمی شخصی پیوسته «ش» در واژه ی انتظارش چیست؟

۴- با توجه به سروده ی زیر به پرسش ها پاسخ دهید (ش ۱۴۰۰)

اما خنده ات که رها می شود / و پروازکنان من را در آسمان می جوید....

الف) مفهوم «ان» در پروازکنان بنویسید. ب) زمان افعال «ماضی استمراری است یا مضارع اخباری»؟

۵- مفهوم «آن» را در این مثال ها مشخص کنید. (ش. ۹۸) الف) دیلمان (ب) کوهان

۶- کاربرد نشانه ی «ان» در کدام گزینه با سایر گزینه ها متفاوت است؟ (دی ۹۸)

الف) بامدادن (ب) سحرگاهان خاوران (د) بهاران

۷- با توجه به سرروده ی زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. (دی ۹۹)

«و در بهران عشق من / خنده ات را می خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم.»

الف) مفهوم «ان» در بهاران: (ب) زمان فعل «می خواهم» مضارع اخباری است یا آینده؟

۸- مفهوم نشانه ی «ان» را در واژه های زیر بنویسید. (خ ۱۴۰۰) الف) دیلمان (ب) خواهان

۹- مفهوم نشانه ی «ان» را در این واژه ها بنویسید. (خ ۹۸) الف) با بکان (ب) خندان

۶- وابسته های وابسته:

تعریف گروه اسمی: گروه اسمی از یک هسته (که اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم است) تشکیل می شود و می

تواند وابسته هایی قبل از هسته (پیشین) یا بعد از هسته (پسین) بیاید»

گروه اسمی «از دو بخش اساسی تشکیل شده است: هسته و وابسته ها.

تعریف هسته: هسته گروه اسمی یا اسم است و یا هر چه در حکم اسم باشد

راه پیدا کردن هسته:

۱- مهم ترین واژه یگ گروه اسمی است مثال: اولین داستان زندگی من (هسته: داستان)

۲- اگر یک گروه اسمی مرتب باشد، اولین کلمه ای که کسره اضافه می گیرد هسته است. (و اگر مرتب نبود، ابتدا

آن را مرتب می کنیم و سپس هسته را پیدا می کنیم.) مثال: کتاب تاریخ ادبیات

۳- اگر گروه اسمی یک واژه بود، همان یک واژه هسته گروه اسمی خودش است. مثال: پسر

۴- اگر گروه اسمی چند واژه بود، چنانچه بین آنها نقش نمای اضافه «---» بود، اولین واژه کسره دار، هسته است و

اگر بین واژه ها کسره نبود، آخرین واژه ی بی کسره هسته می شود.

مانند: چند جلد کتاب خوب شعر. (هسته: کتاب)، همین چند جلد کتاب: (هسته: کتاب)

تعریف وابسته ها و انواع آن: کار وابسته ها برای توضیح بیشتر در گروه اسمی است. وجود آنها اختیاری است

وابسته های پیشین:

- ۱- صفت اشاره: این _ آن _ همین _ همان _ چنین _ چنان _ این چنین _ آن چنان _ ...
 - ۲- صفت شمارش: الف) اصلی: یک _ دو _ سه _ ...
 - ب) ترتیبی نوع ۱ (صفت شمارش اصلی + مین): یکمین (نخستین _ اولین) _ دومین _ سومین _ ...
 - ۳- صفت پرسش: کدام _ چه _ چند _ چقدر _ چگونه _ چطور _ ...
 - ۴- صفت تعجب: عجب _ چه _ چقدر _ ...
 - ۵- صفت مبهم: همه _ هر _ چند _ دیگر _ هیچ _ بعضی _ خیلی _ کمی _ اندکی _ چندین _ بعضی - پاره ای - فلان
 - ۶- صفت عالی (برترین) صفت + ترین: مهربان ترین _ بدترین _ ...
 - ۷- شاخص: عناوین و القاب: دکتر _ مهندس _ آقا _ سید _ استاد _ شهید _ عمو _ ...
- وابسته های پسین:

- ۱- مضاف الیه: کلمه دوم یک ترکیب اضافی را "مضاف الیه" می گویند.
- ۲- صفت بیانی: صفتی که درباره چگونگی و ویژگی های اسم، توضیحاتی را بیان می کند و پس از اسم می آید.
- ۳- صفت شمارش ترتیبی نوع ۲ (صفت شمارش اصلی + م): یکم (اول، نخست)، دوم، سوم، ...
- ۴- صفت تفضیلی (برتر): صفت + تر: زیبا تر - قشنگ تر

نمونه سوال با جواب:

- ۱- هسته را در جمله های زیر مشخص کنید. الف) همان کتاب خوانا (هسته: کتاب)
 - ب) این درخت پر بار (هسته: درخت) پ) تلاشی شگفت انگیز = تلاش شگفت انگیزی (هسته: تلاش)
 - ۲- وابسته های پیشین را در جمله های زیر مشخص کنید.
 - الف) هر دو دانش آموز را شناختم (هر: صفت مبهم) ب) صدبار اگر توبه شکستی بازای (صد: صفت شمارشی)
 - ۳- وابسته های پسین را در جمله های زیر مشخص کنید.
 - الف) پیراهنت (ت: مضاف الیه) ب) تلاش بزرگ (بزرگ: صفت بیانی)
- وابسته های وابسته:

« وابسته وابسته کلمه یا کلماتی هستند که توضیحی به وابسته های هسته اضافه می کنند و به طور غیر مستقیم برای هسته، وابسته هستند .

وابسته های وابسته پنج نوع هستند: ۱- ممیز ۲- صفت مضاف الیه ۳- قید صفت ۴- مضاف الیه مضاف الیه ۵- صفت صفت

۱- وابسته های وابسته « با هسته رابطه ی مستقیم ندارند ۲- «وابسته ها» واسطه ی آن ها با هسته هستند.
۱- ممیز: معمولاً برای شمارش تعداد یا اندازه و وزن موصوف میان عدد و معدود (صفت شمارشی و موصوف آن) اسمی می آید که وابسته ی عدد است و ممیز نام دارد.

ممیز با عدد همراه خود یک جا وابسته ی هسته است. مانند پنج فرزند هواپیما / هفت فرسخ راه / دو تخته فرش / دو دست لباس /

نکته طلایی: ممیز همیشه وابسته ی صفت شمارشی نیست؛

گاهی وابسته ی صفت های مبهم یا پرسشی می شود. مانند: چند کیلو گوجه

۲- صفت صفت: هرگاه دو صفت دنبال هم بیایند و صفت دوم شدت و ضعف صفت اول را بیان کند صفت دوم را «وابسته ی وابسته» و «صفت صفت» می گویند.

نکته: ۱- صفت صفت را نباید با تعداد صفت برای موصوف اشتباه گرفت. مانند: مرد خوش لباس قد بلند

نکته: ۲- صفت صفت اغلب در باره ی رنگ ها به کار می رود

. به ندرت صفاتی مانند: «واقعی، حقیقی، ظاهری و... در توصیف صفات دیگر به کار می روند مانند: انسان موقّق واقعی مثال: پیراهن آبی روشن

۳- مضاف الیه مضاف الیه:

هرگاه بیش از یک اسم یا ضمیر بعد از هسته بیایند فقط اسم یا ضمیر اول وابسته ی پسین و از نوع مضاف الیه است سایر اسم ها یا ضمیر پس از آن همه وابسته ی وابسته و از نوع مضاف الیه مضاف الیه هستند.

مانند: کوه های بلند سر به فلک کشیده ی شمال ایران زمین / زنگ مدرسه ما / کتاب تاریخ ایران / محوطه میدان شهر

(کوه: هسته)، (بلند: صفت بیانی)، (سر به فلک کشیده: صفت بیانی)، (شمال: مضاف الیه)، (ایران زمین: مضاف الیه مضاف الیه)

۴- قید صفت: مانند دانش آموز فوق العاده زیرک که «فوق العاده» قید «زیرک» که صفت است، می باشد.

مثال دیگر: هوای نسبتاً خوب / دوست بسیار مهربان من /

۵- صفت مضاف الیه: مضاف الیه می تواند هر یک از صفات پیشین یا پسین را بپذیرد

؛ بنابراین صفت مضاف الیه هم نوع پیشین دارد و هم نوع پسین. مانند: سخنان گهربار این دوست قدیمی من

(این: صفت مضاف الیه برای دوست و وابسته ی پیشین) ، (قدیمی: صفت مضاف الیه برای دوست و وابسته ی پسین) ، (من: مضاف الیه مضاف الیه)

مثال دیگر: کتاب پسر بزرگتر / کتاب این پسر / دانش آموز پایه دوازدهم / اسیر این جهان / یاد آوری خاطره دلپذیر / نکته: برای درک وابستگی کلمات در گروه ، این نکته را فراموش نکنید که وابسته های پیشین غالباً وابسته ی اولین اسم پس از خود هستند و وابسته های پسین ، وابسته ی اولین اسم پیش از خود ؛ بنابراین نباید توقع داشته باشید ، همه ی کلمات ، وابسته ی هسته باشند.

سوالات امتحانی:

۱- در نمونه های زیر ، وابسته ی وابسته ی مشخص شده را بنویسید. (ش ۹۹)

الف) برنامه ی (کدام) سفر؟ ب) دوست (بسیار) مهربان

۲- نمودار پیکانی گروه اسمی «دو تخته فرش» را رسم نمایید. (ش ۹۹)

۳- در سروده ی «رخش بی مانند، با هزارش یادبود خوب خوابیده است». (خ ۹۹ تجربی- ریاضی)

الف) در گروه اسمی «هزارش یاد بود خوب»، هسته را مشخص کنید.

ب) در گروه اسمی «رخش بی مانند»، نوع وابسته ی پسین چیست؟

۴- در نوشته ی زیر، نوع وابسته ی وابسته مشخص شده را تعیین کنید. (خ ۹۹ تجربی- ریاضی)

الف) بر بالای آن، با خط (بسیار) روشن، دو (سطر) مطلب زیبا نوشته شده بود.

ب) در قلب (آن) کویر بی فریاد، سر در حلقوم چاه می برد.

۵- نوع وابسته های پیشین و پسین را در گروه اسمی مشخص شده بنویسید. (ش ۱۴۰۰)

«کشته (هر سو) بر کف و (دیوارهایش) نیزه و خنجر»

۶- در هریک از گروه های اسمی زیر، نوع وابسته ی وابسته مشخص شده را تعیین نمایید. (ش ۱۴۰۰)

الف) سه (دست) لباس ایرانی ب) رنگ سبز (چمنی)

۷- نوع «وابسته ی وابسته» را در این گروه های اسمی زیر مشخص کنید. (ش ۹۸)

الف) اسیر (این) جهان ب) هفت (فرسخ) راه

۸- با توجه به عبارت زیر به پرسش ها پاسخ دهید. (دی ۹۷)

« نامه را معلم کلاس سوم، برایم نوشته بود؛ به یاد گذشته ها و خاطرات پاریز.»

الف) در گروه اسمی «معلم کلاس سوم»، «هسته» کدام کلمه است؟

ب) نوع وابسته وابسته این گروه اسمی را مشخص کنید. کدام واژه نقش «تبعی» دارد؟

۹- با توجه به گروه اسمی زیر جدول را کامل کنید. (دی ۹۸)

الف) بر جسته ترین شاگرد حوزه ی ادبیات ب) قلب آن کویر

صفت مضاف الیه مضاف الیه مضاف الیه.....

۱۰- نوع هر یک از وابسته های وابسته را در گروه های اسمی زیر، بنویسید. (دی ۱۴۰۰)

الف) هوای (نسبتا) پاک ب) هفت (فرسخ) راه ج) سموم سرد (این) عقل د) بانک اعتبارات (ایران)

۱۱- در هریک از گروه های اسمی زیر، نوع وابسته ی وابسته مشخص شده را تعیین نمایید. (ش ۱۴۰۰)

الف) سه (دست) لباس ایرانی ب) رنگ سبز (چمنی)

۱۲- در هریک از گروه های اسمی زیر، نوع وابسته های پیشین و پسین مشخص شده را بنویسید. (دی ۹۹)

الف) رخسار (رخشنده) | ب) (آخرین) اندیشه ها

۱۳- در هریک از گروه های اسمی زیر، نوع وابسته ی وابسته را تعیین کنید. (دی ۹۹)

الف) هفت (فرسخ) راه ب) دامنه ی کوه های (شمالی)

۱۴- نوع وابسته ی وابسته را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید. (خ ۱۴۰۰)

الف) متوجه شدم که قدرت قلم (نویسنده) تا چه حد بوده است. ب) این جا می توان چند (حلقه) چاه عمیق زد.

۱۵- با توجه به شعر «هفت خوان را زاد سرو مرو، /.../ آن هریوه ی خوب و پاک آیین روایت کرد؛ / خوان هشتم را / من

روایت می کنم / من که نامم ماث /» (خ ۱۴۰۰)

الف) گروه اسمی «آن هریوه ی خوب» چه نوع نقش تبعی دارد؟

ب) نقش دستوری واژه ی «اکنون» را بنویسید.

ج) واژه ی «هشتم» کدام یک از انواع وابسته های پیشین است؟

د) در گروه اسمی «زاد سرو مرو» هسته را مشخص کنید.

۱۶- در نوشته ی زیر نوع وابسته ی وابسته مشخص شده را تعیین کنید. (طرح سه نما فروردین ۱۴۰۱)

عبور هواپیما از روی دریای مدیترانه همیشه آدمی را غرق دریای تصورات تاریخی می کند.

۷- ترکیب وصفی و اضافی:

ترکیب اضافی: هر گاه دو اسم بایک دیگر همراه شوند ترکیب اضافی به وجود می آید مانند: کتاب علی - شهر من

• در ترکیب اضافی به اسم اول مضاف می گویند و به اسم دوم مضاف الیه می گویند

• ترکیب وصفی: هر گاه یک اسم با یک صفت همراه شود ترکیب وصفی به وجود می آید

در ترکیب وصفی به اسم اول موصوف و به صفت موصوف الیه می گویند. مانند: شهر شلوغ

تشخیص ترکیب وصفی و اضافی:

برای تعیین ترکیب، می توانید میان آنها «ی» بیاورید که اگر پذیرفت، وصفی است والا اضافی است یا می توانید کلمه ی اول را ساکن کنید و در آخر ترکیب فعل «است» بگذارید که اگر معنی داد وصفی است و گرنه اضافی است (راه دوم بهتر است)

مثال: کتاب سبز «کتابی سبز» کتاب سبز است

مثال: دفتر من «دفتری من» دفتر من است

نکات مهم:

۱- اگر بین دو صفت و او عطف به کار رود در شمارش باید دو ترکیب وصفی در نظر بگیریم.

مثال: درخت سبز و پر بار ۱- درخت سبز ۲- درخت پر بار

۲- وابسته های پیشین اگر هسته شان ذکر شود باید به صورت جداگانه یک ترکیب وصفی به حساب آیند. مثال:

این چهار سبد ۱- این سبد ۲- چهار سبد

۳- اگر چند وابسته پیشین پشت سر هم ذکر شوند و هسته آنها حذف شده باشد آخرین وابسته را هسته در نظر می

گیریم در این صورت وابسته های قبل می توانند ترکیب وصفی ایجاد کنند

مثال: مالک این هر دو خانه را می شناسم «این خانه هر خانه دو خانه» سه ترکیب وصفی

اما در جمله مالک این هر دو را می شناسم کلمه «دو» هسته می شود و چون دو وابسته پیشین قبل از آن آمده است

پس دو ترکیب وصفی داریم «این دو هر دو»

۴- اگر بین دو مضاف الیه و او عطف به کار رود در شمارش باید دو ترکیب اضافی باید در نظر بگیریم.

مثال: صدای ابر و باد ۱- صدای ابر ۲- صدای باد

۵- اگر دو مضاف به هم عطف شوند و یک مضاف الیه بگیرند دو ترکیب اضافی خواهیم داشت.

مثال: آب و برق خانه ۱- آب خانه ۲- برق خانه

۶- به ضمیر های متصل توجه داشته باشیم تا زمان شمارش تعداد ترکیب های اضافی را کمتر از آنچه هست نشمریم

مثال: اشک های زلارش را پاک کرد. اشک زلال (ترکیب و صفی) اشک او (ترکیب اضافی)

سوالات امتحانی:

۱- با توجه به ابیات زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. (ش ۹۹)

«سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

پراندیشه شده جان کاووس کی زفرزند و سودابه و نیک پی»

الف) کدام واژه در نقش منادا به کار رفته است؟ (ب) کارکرد «را» در بیت اول چیست؟

ج) یک ترکیب اضافی در بیت دوم بیابید و بنویسید.

۲- با توجه به سروده ی زیر به پرسش ها پاسخ دهید. (ش ۱۴۰۰)

«سیاوش، فرزند کاووس، شاه کیانی است که رستم به او رسم پهلوانی می آموزد.

الف) کدام گروه اسمی، نقش دستوری «مفعول» دارد؟ (ب) یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی بیابید و بنویسید.

ج) گروه اسمی «شاه کیانی» مسند است یا بدل؟

۳- در سروده ی «و نخستین احساس عشق را جایی می جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است...» (ش ۹۸)

الف) نوع زمان فعل «آمده است» را بنویسید. (ب) ترکیب «احساس عشق» وصفی است یا اضافی است؟

۴- در بیت زیر، ترکیب اضافی را پیدا کنید و بنویسید. (دی ۹۸)

« زین بی خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند»

۵- با توجه به بیت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. (دی ۱۴۰۰)

«خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند»

الف) نقش دستوری واژه ی «بغداد» چیست؟ (ب) یک ترکیب اضافی در بیت بیابید و بنویسید.

ج) یک پیوند وابسته ساز در بیت بیاید و بنویسید.

۶- با توجه به بیت های زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید. (خ ۱۴۰۰)

گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم گفت والی از کجا در خانه ی خمار نیست

گفت داروغه را گویم در مسجد بخواب گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست

الف) در بیت اول فعل «شویم» اسنادی و فعل «نیست» غیر اسنادی است. درست نادرست

ب) در بیت دوم «خوابگاه مردم» یک ترکیب اضافی و «مردم بدکار» یک ترکیب وصفی است. درست نادرست

۷- با توجه به بیت های زیر، درستی یا نادرستی هریک از موارد داده شده را تعیین کنید. (خ ۹۸)

تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن ها پس افکند

زین بی خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند

الف) در گروه اسمی «مشت درشت روزگار» واژه «مشت» هسته است. درست نادرست

ب) ترکیب «مردم خردمند» وصفی و ترکیب «بی خردان سفله» اضافی است. درست نادرست

۸- انواع فعل از نظر زمان:

پیش از پرداختن به فعل از نظر زمان، یادآوری چند نکته لازم است:

✓ یادآوری:

الف) بن ماضی = مصدر بدون «ن» رفتن (مصدر) رفت (بن ماضی) شنیدن (مصدر) شنید (بن ماضی)

ب) بن مضارع = فعل امر بدون «ب»: مصدر فعل امر بن مضارع رفتن برو رو

پ) صفت مفعولی: بن ماضی + ه رفت، دیده، گفته، شنیده، خوانده، نوشته، گفته، شناخته، نشسته، انداخته،

✓ انواع فعل از نظر زمان:

الف) ماضی: فعلی است که بر زمان گذشته دلالت دارد.

ب) مضارع: فعلی که بر زمان حال و گاهی آینده دلالت دارد.

پ) مستقبل (آینده): فعلی که بر زمان آینده دلالت دارد.

✓ انواع فعل ماضی:

۱- ماضی ساده:

بن ماضی + شناسه های ماضی (م، ی، ... / یم، ید، --ند: (شناختم، شناختی، شناخت / شناختیم،

شناختید، شناختند

۲- ماضی استمراری: می گفتم، می گفتی، می گفت / می گفتیم، می گفتید، می گفتند

نکته: در فارسی کهن، ماضی استمراری به چند صورت دیگر هم به کار می‌رفت:

الف) «همی» به جای «می»: همی گفتم... (ب) می / همی + ماضی ساده + ی (استمراری): می گفتمی

پ) ماضی ساده + ی (استمراری): گفتمی...

۳- ماضی بعید: صفت مفعولی + بودم، بودی، بود / بودیم، بودید، بودند: رفته بودم، رفته بودی، رفته بود رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند

۴- ماضی نقلی: صفت مفعولی + ام، ای، است / ایم، اید، اند: شنیده‌ام، شنیده‌ای، شنیده‌است شنیده‌ایم، شنیده‌اید، شنیده‌اند

نکته: در فارسی کهن، ماضی نقلی به صورت زیر، هم به کار می‌رفت

شنیده‌ستم، شنیده‌ستی، شنیده‌است / شنیده‌ستیم، شنیده‌ستید، شنیده‌ستند

۵- ماضی التزامی: صفت مفعولی + باشم، باشی، باشد / باشیم، باشید، باشند:

آمده باشم، آمده باشی، آمده باشد / آمده باشیم، آمده باشید، آمده باشند

۶- ماضی مستمر (ملموس)

داشتم، داشتی، داشت / داشتیم، داشتید، داشتند + ماضی استمراری:

داشتم می گفتم، داشتی می گفتی، داشت می گفت / داشتیم می گفتیم، داشتید می گفتید، داشتند می گفتند

✓ انواع فعل مضارع:

۱- مضارع اخباری: می + بن مضارع + شناسه‌های مضارع (-م، -ی، -د / -یم، -ید، -ند

می شناسم، می شناسی، می شناسد / می شناسیم، می شناسید، می شناسند

چند نکته:

* فعل‌های است، هست، نیست و دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند، نیز مضارع اخباری به شمار می‌آیند.

* در فارسی کهن، گاهی فعل مضارع اخباری، بدون «می» به کار می‌رفت: روم، روی، رود / رویم، روید، روند

* در فارسی کهن، گاهی به جای «می»، «همی» به کار می‌رفت: همی گویم...

۲- مضارع التزامی: ب + بن مضارع + شناسه‌های مضارع: بدانم، بدانی، بداند / بدانیم، بدانید، بدانند

چند نکته: گاهی فعل مضارع التزامی بدون «ب» به کار می‌رود؛ مانند: فعل‌های باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند شوم، شوی، شود، شویم، شوید، شوند / برگردم... روی دهد و...

* در فارسی کهن، گاهی فعل‌های مضارع التزامی که امروزه، همراه «ب» به کار می‌روند، بدون «ب» به کار می‌رفتند: گویم = بگویم و...

* در فارسی کهن، گاهی فعل مضارع التزامی در معنی مضارع اخباری به کار می‌رفت: بخواهد: می‌خواهد / بگوید: می‌گوید

۳- مضارع مستمر: دارم، داری، دارد / داریم، دارید، دارند + مضارع اخباری: دارم می‌روم، داری می‌روی، دارد می‌رود / داریم می‌رویم، دارید می‌روید، دارند می‌روند

۳- آینده: خواهم، خواهی، خواهد / خواهیم، خواهید، خواهند + مصدر بدون -ن:

خواهم دید، خواهی دید، خواهد دید / خواهیم دید، خواهید دید، خواهند دید

سوالات امتحانی:

۱- با توجه به جمله ی «بوی شبدر دوچین، هوا را عطر آگین ساخته است». به سوالات پاسخ دهید. (خ ۹۹ انسانی)

الف) نقش دستوری واژه ی «عطر آگین» را بنویسید. (ب) کدام واژه «صفت مضاف الیه» است؟

۲- در جدول زیر، درست یا نادرست بودن هر یک از توضیحات را تعیین کنید. (خ ۹۹ انسانی)

الف	فعل «نیست»، در هر دو مصراع بیت زیر، اسنادی است «سر من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست.»	درست	نادرست
ب	در بیت زیر واژه «برگ و بار» مفعول است. دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من وتو / امروز می آید از باغف بوی بهار من و تو	درست	نادرست
ج	در گروه اسمی «دوست بسیار مهربان»، واژه «بسیار» صفت صفت است.	درست	نادرست

۳- با توجه به نوشته زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید. (خ ۹۹ تجربی - ریاضی)

عشق کردم از اینکه فهمیده اید، انهدام آن تیربار، کار من بوده است.

الف) زمان هر دو فعل (فهمیده اید) و (بوده است)، ماضی نقلی است. درست نادرست

ب) در گروه اسمی «انهدام آن تیربار»، واژه (تیر بار) هسته گروه اسمی است. درست نادرست

۴- در نوشته ی «فکر کردم اگر پیش تر بروم، به حتم گم می شوم، برتل خاکی نشستم. حتی اگر من صدایتان نمی

<https://dabiranadabiyat.ir>

کردم.»

الف) زمان کدام فعل « مضارع التزامی » است؟ ب) در واژه ی « صدایتان » نقش دستوی ضمیر پیوسته «تان» چیست؟

۴- در عبارت زیر، زمان فعل های مشخص شده را دقیقا تعیین کنید. (خ ۹۸)
« صدای بلدرچین یک دم قطع نمی شود. جوجه کبک ها، خط و خال انداخته اند.»

۹- نقش واژه ها در جمله:

نهاد: برای پیدا کردن نهاد به اول فعل، «چه چیزی؟» یا «چه کسی؟» اضافه می کنیم و نهاد را به دست می آوریم؛ مانند: درویش، آخرتش را به دنیا دروازد. = چه کسی دروازد؟ درویش، نهاد است.

مفعول: راه شناخت مفعول: به اول فعل، (چه چیز را؟ یا چه کسی را؟) اضافه

می کنیم، اگر معنی بدهد آن فعل نیاز به مفعول دارد و مفعول در جواب (چه چیز را؟) یا (چه کس را؟) می آید؛ مانند: خوب جهان را ببین ← چه چیز را ببین؟ ← جهان را ← جهان = مفعول

متمم: بعد از حرف اضافه قرار می گیرد؛ مانند: «دل شود گر به علم بیننده». به «حرف اضافه» علم «متمم».

نکته: ۱- گاهی قبل و بعد متمم حرف اضافه می آید

مثال: مهتری گر به کام شیر در، است. ← به «حرف اضافه»، کام شیر «گروه متممی»، در «حرف اضافه».

۲- گاهی حرف «را» به معنی «از»، «به»، «برای» به کار می رود؛ در این صورت،

اغلب واژه ی قبل از «را» متمم می شود؛ مثل: لیکن چنان مگو صبا را خبر شود. ← صبا «متمم»، را (= به) حرف اضافه (به صبا)

بهتر یاد بگیریم:

پرسش: نوع «را» را در بیت زیر، مشخص کنید.

علم، بال است مرغ جانت را بر سپهر او برد روانت را

پاسخ: «را» در مصراع به معنی «برای» حرف اضافه است. ← برای مرغ جانت.

«را» در مصراع دوم، نشانه ی

مفعولی است. «چه چیز را بر سپهر برد؟» ← روانت را ← گروه مفعولی.

تورا پرواز بس زوداست و دشوار ز نوکاران که خواهد کار بسیار

یعنی پرواز برای تو زود است. (را) به معنی برای است که حرف اضافه می باشد و تو متمم می شود.

نکته:

۱- حروف اضافه عبارتند از: به، با، بی، بدون، مگر (= به معنی جز)، از بهر، بهر، برای، از برای، سوی، به سوی، ا

ندر، به منظور، ب وسیله ی، به سان، به کردار، مانند، همانند، همچو، همچون؛ مانند:

بدرید کتفش به کردار شیر ← به کردار «حرف اضافه» و شیر «متمم» است.

۲- اگر «چو و چون» به معنی «مثل و مانند» به کار روند، حرف اضافه هستند، مانند:

«چون شیر به خود سپه شکن باش فرزند خصال خویشتن باش» ← چون «حرف اضافه» و شیر «متمم»

«تا نشود راز چو روز آشکار تا نشویم از پدرش، شرمسار» ← چو «حرف اضافه» و روز «متمم» است.

۳- هرگاه «تا» فاصله ی مکان یا زمان را بیان می کند، حرف اضافه است؛ مانند:

«تا قیامت، سخن اندر کرم و رحمت او.» ← «تا» حرف اضافه است و بر مکان دلالت دارد.

از اول صبح ازل (= زمان بی آغاز) تا آخر شام ابد (= پایان). ← «تا» حرف اضافه و بر زمان دلالت دارد.

۴- «زی» به معنی «سوی» حرف اضافه است؛ مانند:

زی پدرش رفت و خبردار کرد تا پدرش، چاره ی آن کار کرده ← «زی» حرف اضافه. «پدرش» متمم.

* دقت داشته باشید که «را» ی مفعولی، در جمله ای می آید که فعل آن گذرا به مفعول (متعدی = مفعول پذیر)

باشد. علاوه بر این «را» ی مفعولی بعد از مفعول قرار می گیرد.

روش پیدا کردن مسند

به اول فعل های اسنادی، کلمه های «چگونه؟» یا «چی؟» اضافه می کنیم و مسند را به دست می آوریم؛ مانند:

دانش آموزان از کار خود راضی شدند. ← چگونه شدند؟ راضی ← مسند.

پیش گویی آنها، درست بود. ← چی بود؟ ← درست ← مسند.

فعل اسنادی (ربطی): به فعل هایی که مسند می پذیرند فعل اسنادی (ربطی) می گویند.

مسند: صفت یا حالتی است که به وسیله ی فعل اسنادی به نهاد نسبت داده می شود؛ مثلاً:

حسین، فروتن است. ← فروتن «مسند»، است «فعل اسنادی».

فروتن صفتی است که ما به وسیله فعل اسنادی به نهاد نسبت می دهیم.

فعل های اسنادی عبارتند از: «است ، بود ، شد ، گشت ، گردید ، شود ، باشد ، باد ، هست ، نیست ، یافتن ، نامیدن ، دانستن ، به حساب آوردن ، گفتند و...

نکته: گشت و گردید باید به معنای «شد» باشد، تا فعل اسنادی محسوب شود؛ مثال:

«هوا سرد گشت.» ← «گشت» فعل اسنادی است و به معنی «شد».

سوالات امتحانی:

۱- در هر یک از موارد زیر، نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید. (خ ۹۹ تجربی-ریاضی)

الف) هرگز دلم برای کم و بیش (غم) نداشت ب) پرندگان، (جملگی) مشتاق دیدار سمرغ شدند.

۲- الگوی ساخت همه ی گزینه ها به جز گزینه..... «نهاد+مفعول+مسند+فعل» است. (خ ۹۹ تجربی-ریاضی)

۱- عشق حقیقی، دل و جان راپاک می گرداند. ۲- محبت به غایت را عشق خوانند.

۳- برخی عاشق را دیوانه می پندارند. ۴- عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.

۳- الگوی ساخت همه ی گزینه ها به جز..... «نهاد+مفعول+مسند+فعل» است. (ش ۱۴۰۰)

۱- برخی عاشق را دیوانه می پندارند. ۲- عشق حقیقی دل و جان راپاک می گرداند.

۳- مردم به او دهقان فداکار می گفتند. ۴- پروانه، همه ی جهان را آتش بیند.

۴- نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید. (ش ۹۸) «عشق حقیقی، دل و جان را (پاک) می گرداند».

۵- عبارت زیر چند جمله دارد؟ (دی ۹۷)

«لحظه ی عزیز و شور انگیزی بود؛ لحظه ای که هر سال از نخستین دم بهار، بی صبرانه چشم به راهش بودیم و تابستان وصال، امید بخش و مهربان می آمد.» سه جمله

۶- در شعر «چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشت / که بتواند عشق مرا با سجایای ارزشمند تو بازگو کند؟» (دی ۹۷)

الف) چند گروه اسمی «مفعول» وجود دارد؟ دو عشق مرا- سجایای ارزشمند تو ب) نوع حرف ربط «یا» را بنویسید.

۷- با توجه به متن زیر به پرسش ها پاسخ دهید. (دی ۹۷)

« بخند زیر خنده ی تو / برای دستای من / شمشیری است آخته. / خنده ی، در پاییز / در کناره ی دریا / موج کف

<https://dabiranadabiyat.ir>

آلوده اش را / باید بفرزاد.»

الف) ترکیب «موج کف آلود» وصفی است یا «اضافی»؟ (ب) نقش دستوری واژه ی «شمشیر» چیست؟

ج) یک «گروه اسمی» متممی بنویسید. (د) کدام واژه ی داخل کمانک در مورد «زمان» دقیق

فعل «برفرازد» درست است؟ (مضارع التزامی - مضارع اخباری)

۸- نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید. (دی ۹۸)

الف) عشق حقیقی، (دل) و جان را پاک می گرداند.

ب) سرانجام گفت (ایمن) از هر دوان (ج) تا چشم بشر نبیند (ت) روی

۹- با توجه به عبارت «از رد صدای شما می بایست پیدای (تان) می کردم (دی ۱۴۰۰)

الف) نقش دستوری ضمیر پیوسته (تان)، متمم است یا مفعول؟ (ب) مرجع ضمیر (تان) «شما» است یا «صدا»

۱۰- در نوشته ی زیر، نقش دستوری واژه های مشخص شده را تعیین کنید. (خ ۱۴۰۰)

« پروانه (قوت) از عشق آتش خورد و همه ی جهان، (آتش) بیند.»

۱۱- نقش دستوری هریک از واژه های مشخص شده را بنویسید. (دی ۹۹)

هر کسی از ظن خود شد (یار) من از درون من نجست (اسرار) من؟

۱۲- نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید. (خ ۹۸)

الف) چون رود امیدوارم بی تاب و بی قرارم (ب) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

۱۳- الگوی ساخت کدام جمله (نهاد + مفعول + مسند + فعل) است؟ (دی ۹۹)

۱- زیبایی محبوب تو چند روزی نیست. ۲- عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند.

۳- در این سفر ستارگان را بار درخشندگی جاودان خود می بینم. ۴- عشق از بهر این معنی فرض را آمده

۱۴- نقش دستوری واژه های زیر را مشخص کنید. (طرح سه نما فروردین ۱۴۰۱)

الف) دیوانگی عشق بر همه ی عقل ها افزون آید. (مسند)

ب) آتش عشق او را چنان گرداند که همه ی جهان، آتش بیند. (چنان: مسند، جهان: مفعول)

۱۵- درست یا نادرست بودن هریک از موارد داده شده را در جدول زیر تعیین کنید. (دی ۱۴۰۰)

الف)	در هر دو مصراع بیت زیر «فعل اسنادی» به کار رفته است.	درست	نادرست
	«گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی		
	گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست		

ب)	در بیت زیر نقش دستوری واژه های «داروغه» و «خوابگاه» یکسان است. گفت را داروغه را گوئیم در مسجد بخواب گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست	درست	نادرست
ج)	«ان» در هردو واژه ی خاوران و شامگاهان نشانه ی مکان است	درست	نادرست

۱۰- تفاوت معنایی فعل:

سوالات امتحانی:

۱- فعل «ساخت»، در مصراع «نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت»، با همین واژه در کدام گزینه کاربرد معنایی یکسانی دارد؟ (ش ۹۹)

۱- او در مراغه رصد خانه ای بزرگ ساخت. ۲- آن نامدار لشکری عظیم ساخت.

۳- استاد موسیقی، آهنگ زیبایی ساخت. ۴- او با ناملایمات زندگی ساخت.

۲- در بیت زیر، فعل های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید. (ش ۹۹)

«گفت: نزدیک است والی را سرای آن جا(شویم) گفت: والی از کجا در خانه ی خمار (نیست)؟»

۳- کاربرد معنایی فعل «نیست» در کدام مصراع «اسنادی» و در کدام مصراع «غیر اسنادی» است؟ (ش ۱۴۰۰)

الف) گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست ب) گفت: والی از کجا در خانه ی خمار نیست

۴- کاربرد معنایی فعل «نیست» در کدام مصراع اسنادی و در کدام مصراع غیر اسنادی است؟ (دی ۹۹)

«زاهد ظار پرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست»

۵- مفهوم فعل «گرفت» را در عبارت های زیر بنویسید. (طرح سه نما فروردین ۱۴۰۱)

الف) دیدی که چگونه گور، بهرام گرفت. (در بند کرد)

ب) مجموعه غزل های او، مجوز چاپ و انتشار گرفت. (دیافت کرد)

۱۱- شیوه عادی و بلاغی:

گروه های سازنده ی جمله به دو صورت در پی هم قرار می گیرند:

الف) شیوه ی عادی: کاربرد این شیوه در نوشته های خبری، اداری، آموزشی، به روش زیر معمول است:

نهاد همه ی جمله ها در ابتدای جمله می آید.

فعل همه جمله ها در پایان جمله می آید.

ترتیب سایر جمله ها نیز به این صورت است: ۱- نهاد+ مفعول+ فعل (علی کتاب را خرید)

۲- نهاد+مسند+ فعل (هوا روشن شد) ۳- نهاد+ متمم+ فعل (علی به مدرسه رفت)

۴-نهاد+ مفعول+ متمم+ فعل (حسن کتاب را به من داد) ۵-نهاد+ مفعول+ مسند+ فعل (حافظ خودش را رند می نامد)

توجه: گروه های قیدی در جمله جای خاصی ندارند بلکه بر حسب موقعیت یا ضرورت یا تاکید و برجسته نمایی پیش یا پس از نهاد می آیند.

ب) شیوه ی بلاغی:

در این شیوه اجزای کلام بر حسب تشخیص نویسنده و برای تاثیر بیشتر سخن جابه جا می شوند. بدیهی است که این جابه جایی، با مجوزهای دستوری انجام می پذیرد و تشخیص نقش آنها به دو طریق صورت می گیرد:

۱- به کمک نقش نما: اجزای جمله می توانند با نقش نمای خود جابه جا شوند

با دوست از هر دری سخن گفتیم (از هر دری با دوست سخن گفتیم)

۲- از طریق معنا: به دو جمله زیر توجه کنید:

الف) زیبا ترین چیز نگاه پر از عشق تو بود. ب) نگاه پر از عشق تو زیبا ترین چیز بود

از نظر معنا بین این دو جمله هیچ تفاوتی وجود ندارد اما فضای عاطفی هر یک از آنها، در موقعیت مناسب، باعث برگزیدن یکی از آن دو می شود.

شیوه عادی: ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

شیوه بلاغی: چون بگشایم ز سر مو شکن ماه ببیند رخ خود را به من

سوالات امتحانی:

۱- با توجه به بیت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. (خ ۹۹ انسانی)

«صد تیغ جفا بر سرو تن دید یکی چوب تا شد تهی از خویش و نی اش نام نهادند»

الف) بیت را از شیوه «بلاغی» به شیوه «عادی» برگردانید.

ب) «واو» ربط (پیوند) در کدام مصراع این بیت به کار رفته است؟

۲- بیت زیر به شیوه ی بلاغی سروده شده است؛ آن را به یک جمله عادی برگردانید. (ش. ۹۸)

«چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند»

۳- مصراع «جامه ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن» را از شیوه ی بلاغی به شیوه ی عادی برگردانید. (دی ۹۷)

۴- در همه بیت ها به جز گزینه ی شیوه ی بلاغی دیده می شود. (خ. ۹۸) **جواب گزینه ب**

الف) همی داد مژده یکی را دگر که بخشوده بر بی گنه دادگر

ب) رخ شاه کاووس پر شرم دید سخن گفتنش با پسر نرم دید

ج) که هر چند فرزند هست ارجمند دل شاه از اندیشه یابد گزند

د) چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی گناهان نیاید گزند

۵- بیت زیر را از شیوه ی بلاغی به شیوه ی عادی (فارسی معیار) برگردانید.

یکی دشت با دیدگان پر زخون که تا او کی آید ز آتش برون

جواب: یک دشت با دیدگان پر از خون تا او کی از آتش بیرون می آید.

۱۲- انواع را:

کاربرد انواع (را):

۱- نشانه مفعول : بعد از مفعول می آید .

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت / یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم

۲- حرف اضافه : گاهی حرف « را » جای حروف اضافه « به - از - بر » می آید و اسم همراه خود را متمم می سازد.

به : هدیه می داد هر درویش را / تایابد نطق مرغ خویش را

از : حکیمی را پرسیدند که دوست بهتر یا برادر؟ گفت: برادر نیز دوست به.

بر : بدو گفت خندان که نام تو چیست؟ / تن بی سرت را که خواهد گریست؟

برای : گاهی (را) با فعل اسنادی: همراه فعل های اسنادی می آید و آن را به فعل ناگذر تبدیل می کند. «حرف اضافه محسوب می شود».

مرا چشمی است خون افشان ز دست آن کمان ابرو / جهان بس فتنه خواهد دید از آن چشم واز آن ابرو

۳- فک اضافه : نشانه جدایی و انفکاک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) است و بر دو نوع است:

الف) مضاف الیه + را + مضاف: یقین مرد را دیده بیننده کرد/ شد و تکیه بر آفریننده کرد

تهمتن بر آشفت و با طوس گفت / که رهام را جام باده است جفت

ب) مضاف + بخشی از جمله + مضاف الیه + را:

ساقیا برخیز و در ده جام را / خاک بر سر کن غم ایام را

یکی ناسزا گفت در وقت جنگ / گریبان دریدند وی را به چنگ

سوالات امتحانی:

۱- با توجه به بیت زیر به دو پرسش رپس از آن، پاسخ دهید: (طرح سه نما فروردین ۱۴۰۱)

گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم گفت: والی از کجا در خانه ی خمار نیست

الف) کارکرد «را» را در بیت بررسی کنید. را فک اضافه ب) با توجه به معنا، کدام فعل اسنادی است؟ است

تست کنکور سراسری - ۹۶

در کدام بیت، تقدیم «مضاف الیه بر مضاف»، صورت گرفته است؟ (انسانی ۹۶)

1. درخت قد صنوبر خرام انسان را / مدام رونق نوباوه جوانی نیست

2. گر تشنگان بادیه را جان به لب رسد / تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندری

3. وستانی است مرا از گل و از روی کمال / به سرا آمدی ای بلبل خوش گو بسرای

4. رونق عهد شباب است دگر بستان را / می رسد مژده گل بلبل خوش الحان را

پاسخ ۲: گر تشنگان بادیه را جان به لب: گر جان تشنگان بادیه به لب: «را» در این گزینه فک اضافه است.

تست تألیفی: در کدام مصراع نوع «را» درست ذکر نشده است؟ (تالیفی)

۱. ۱- زندگی کوتاه باشد چون شرر اشرار را: (مفعولی) ۲- پای رفتن نیست دود آتش رخسار را: (متممی)

۱. ۳- سپاه عشق درون و برون گرفت مرا: (فک اضافه)

۲. ۴- راست نتوان کرد چون مایل شود، دیوار را: (مفعولی)

پاسخ: ۱ زندگی اشرار کوتاه باشد. (نوع را فک اضافه است.)

تشریح سایر گزینه ها :

<https://dabiranadabiyat.ir>

2: برای دود آتش رخسار ، پای رفتن نیست. (رای متممی)

3. سپاه عشق، درون و برون من را گرفت. (رای فک اضافه)

4. وقتی دیوار مایل شود، آن را نمی توان راست کرد. (رای مفعولی)